

حراج دو میلیارد دلاری در دولت خاتمی



فرهختگان

www.fdn.ir | Mon | 11 Nov 2019 | vol.10 | No. 2903 | 16 Pages

سخنرانی دیروز حسن روحانی در یزد بیشتر شبیه یک کاندیدای انتخابات بود تا رئیس جمهور مستقر

۳۳ روز در انتخابات

صفحه های ۲ و ۸ را بخوانید

مجتبی ساعی، گزارشگر جنجالی بازی های تراکتور در گفت و گو با «فرهختگان»:



تراکتور ظرفیتی برای ایران است

۱۲

معاون اسبق وزیر علوم در گفت و گو با «فرهختگان»:

رسالت فناوری دفاعی کمک به اقتصاد کشور است

۱۳

«فرهختگان» بررسی می کند

پای «مطرب» چگونه به سینما باز شد؟



۱۴

نقد و بررسی گفت و گوی برنامه «زاویه» در مورد بهبود کیفیت نظام آموزشی

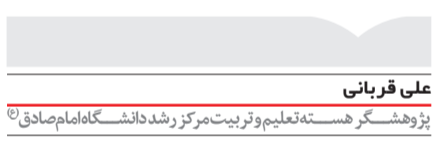
طلب روشنفکران از ۲۰۰ سال نظام آموزشی خود ساخته

بر اساس توسعه اقتصادی برلمان تدوین کردند، ترجمه نکرده اند و عموماً حتی یک بار هم نگامی به آن نینداخته اند، چگونه از مرگ مدرسه سخن می گویند و برای ایده بهبود کیفیت نظام آموزشی ایران، دوباره ایده توسعه را پیشنهاد می دهند. ۷۰ سال این آمل و آرزو به نظام آموزشی ماسر و شکل داده و حتی همین دانشکده علوم تربیتی هم براساس همین ایده ها سرپا گشت اما اتفاق خاصی رخ نداده و اگر بحث بر سر تحول بنیادین است دقیقاً به خاطر همین ایده توسعه محور اقتصادی است که این بالا بر سرمان آورده است. اگر شما انسان امروز را انسان فرهنگی می دانید نه اقتصادی، اگر فکر می کنید سند تحول ما، خودمختاری مدرسه را نفی می کند و سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ و آزمون های جهانی تیمز، پرلز و پیزا که دقیقاً ذیل سازمان های توسعه محور اقتصادی شکل گرفتند چنین اثری را ندارند، بد نیست بیانه های علمان سراسر جهان را در این زمینه مطالعه کنید تا بدانید خودمختاری، اندیشه انتقادی و خلاقیت واقعی در جامعه تجددمحور و توسعه محور امروزی برای شهروند جهانی این روزگار - که در گفت و گو علاقه زیادی هم به ایده شهروندی نشان دادید- توهمی بیش نیست.

پی نوشت:

۱- غرب هر چند از جهت نظری ظاهری متکثر دارد اما ایده اصلی و محوری برای تحول و ساخت جهان در نوع نگاه تمدن غربی براساس ایده آرمان توسعه مشخص می شود. بنگرید به: «والرانتاین، امانوئل، (۱۹۸۴)، توسعه مفهوم توسعه، ترجمه امیر عزیزی، در: تصور عصر پساتوسعه: مجموعه مقالاتی درباره توسعه، گزینش و ویرایش محمد ملاحباسی، ترجمان علوم انسانی، تهران: ۱۳۹۴. ۲- برای این امر لازم است تمام بی سوادان برای یادگیری و تمام خواران و برادران باسواد برای یاد دادن به یاد خیز و وزارت آموزش و پرورش با تمام امکانات به یاد خیزد و از قریب بازی و تشریفات اداری بهره ریزد و برادران و خواران ایمانی برای رفع این نقیصه دردآور بسیج شوید و ریشه این نقص را از بن برکنید. تعلیم و تعلم عبادتی است که خداوند تبارک و تعالی ما را بر آن دعوت فرموده است. انمه جماعات شهرستانها و روستاها مردم را دعوت نمایند و در مساجد و تکایا، باسوادان نوشتن و خواندن را به خواران و برادران خود یاد دهند و منتظر اقدامات دولت نباشند و در منازل شخصی، اعضای باسواد خانواده اعضای بی سواد را تعلیم کنند و بی سوادان از این امر سرپیچی نکنند. من از ملت عزیز امید دارم که با همت والای خود، بدون فوت وقت، ایران را به صورت مدرسه ای آوردند و در هر شب و روز در اوقات بیکاری، یکی دو ساعت را صرف این عمل در فرمایند. (پیام ۷ دی ۱۳۵۸ امام خمینی (ره) به ملت ایران) 3- Overseas Consultants. 1949. Report on seven-year development plan for the Plan Organization of the Imperial Government of Iran. V.2. Public health education. New York. 1949

کشور همه کاره هستند هزینه خرابکاری هایشان را به گردن لفاظی های ایدئولوژیک و آرمان طلبی می اندازند؟ دکتر فاضلی بحث خود را ابتدا با مغالطه مشهوری در حوزه تعلیم و تربیت آغاز کرد که درخت را باید از میوه اش شناخت و لذا تمام مشکلاتی مانند اعتیاد، تصادف جاده ها، آمار فساد اخلاقی و... را بر گردن مدرسه انداخت و دوباره به همان اثر کذایی «مرگ مدرسه» بازگشت. اولایشان به عنوان یک جامعه شناس باید بداند تربیت نسلی فقط از طریق مدرسه صورت نمی گیرد و خانواده، جامعه و به ویژه در عصر حاضر، فضای مجازی و رسانه ها نقش پررنگی نسبت به مدرسه در تربیت نسل ها دارند. اگر واقعا مسئولیت همه این معضلات برعهده مدرسه است باید به این نکته هم توجه کرد که آمار فساد اخلاقی، اعتیاد و... در همان کشورهای توسعه یافته هم کم نیست. ثانیاً اگر هم همه چیز برعهده مدرسه است که خود مدرسه نوین، هم در جهان و هم در ایران براساس همان ایده توسعه، جایگزین نظام آموزشی سنتی شده است. خود ایشان اشاره کرد که نظام آموزشی مدرسه ای عمومی و اجباری، یکی از چهار مولفه اصلی جهان مدرن است و در ایران هم دقیقاً براساس همین آرمان بود که مدرسه نوین را جایگزین مکتب خانه کردیم و اگر دقیق تر بخواهیم بگوییم، نه فقط خود ما، بلکه سال ها پیش از رشدی و دارالفنون وزمانی که هنوز ملوک خان و تقی زاده زبان باز نکرده بودند، مسیون های آمریکایی، فرانسوی، روسی، انگلیسی و آلمانی بودند که پرچم نظام مدرسه ای جدید را در این خاک بر زمین کوبیدند. مگر کتاب های درسی مدارس جدید ما از همان مسیون ها اخذ نشد؟ مگر معلمان مدارس جدیدمان را مدارس مسیونی تأمین نکردند؟ مگر رنگ مدرسه، میز و نیمکت ردیفی، کلاس با ابعاد مشخص و راهرو و همه چیزهایی را که امروز در مدرسه می بینیم همین ماموران مذهبی و غیرمذهبی ملل به اصطلاح راقیه به اسم ترقی -بخوانید توسعه- به خورد مانداند؟ همه این تاریخ ۲۰۰ ساله را کنار گذاشته ایم و همه تقصیر را گردن آرمان های طلبگی می اندازیم که در قالب سند تحول به خورد مدرسه داده اند؟ اصلاً چگونه سند تحول را می خوانید که آرمان طلبگی از آن درمی آید؟ مگر چند نفر از مجموعه شورای عالی آموزش و پرورش و تیم تدوین کننده سند تحول با چیزی غیر از تفکر دانشگاهی و ایده های توسعه محور روشنفکری آشنایی دارند؟ خود دکتر صادق زاده هم نماینده ایده آل های طلبگی نیست و آنان که با ایشان کلاس داشته اند و پای صحبت هایشان نشستند بهتر از هر کسی می دانند که آیا ایشان نماینده نگاه حوزوی است یا دانشگاهی؟! ایشان هم که بگذریم بد نیست شما که ربط خورده هستید و خودتان در کار تدوین سند بوده اید نگاهی به تیم نهایی تدوین سند تحول که کار همه کارگروه ها را جمع بندی کردند، بیندازید و ببینید سهم دانشگاه و سازمان برنامه در این سند چقدر بوده است؟ سازمانی که در دهه ۱۳۲۰ توسط تیم مستشاری آمریکا ذیل اصل چهار ترومن و دقیقاً برای تدوین «طرح توسعه هفت ساله اقتصادی ایران» تاسیس یافت. روشنفکران دانشگاهی که هنوز بعد از ۷۰ سال سند تحولی آموزش و پرورش^(۱) را که آمریکایی ها



علی قربانی پژوهشگر هسته تعلیم و تربیت مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)

چهارشنبه هفته گذشته (۱۵ آبان ۱۳۹۸) دکتر صادق زاده و دکتر فاضلی در برنامه زاویه بر سر این پرسش به گفت و گو نشستند که «ایده نهاد علم برای بهبود کیفیت آموزش عمومی در ایران چیست؟» دکتر فاضلی بحث را به صورت جدلی و با زیر سوال بردن هرگونه موفقیت کمی و کیفی آموزش و پرورش ایران آغاز کردند و در ادامه ایده شفاف خود را در زمینه راه بهبود کیفیت آموزش مطرح کردند؛ اما دکتر صادق زاده هم که به عنوان نماینده تدوین گران سند تحول در برنامه حاضر بود، با پذیرش عدم موفقیت نظام آموزشی بحثی همدلانه را در پیش گرفت و البته در نهایت برای بهبود وضع آموزش عمومی، ایده سند تحول را ایده ای مناسب ارزیابی کرد. اگر بخواهیم از گزارش جز به جز به این گونه گفت و گو گذر و نقدی تحلیلی را از ایده دو سوی میز گفت و گو مطرح کنیم باید بگوییم در یک سوی میز دکتر فاضلی ایده کاملاً مشخص و آشنای «توسعه»^(۲) را مطرح کرد و در سوی دیگر، هیچ ایده مشخصی وجود نداشت و باز هم با التقاط فکری رویه رو بودیم که اگر این گونه نبود چگونه می توانستیم (حیات طیبه) را با «ایده توسعه غربی» - که به روشنی مسیر مدنظر دکتر فاضلی بود- جمع کنیم و گفت و گویی تا این حد همدلانه را شکل دهیم. دکتر فاضلی با طرح ایده توسعه، نه تنها آموزش و پرورش عمومی، بلکه بی پرتر از آن، کل اندیشه اسلامی را زیر سوال برد و دکتر صادق زاده همچنان همدلانه گفتار او را تأیید می کرد تا کار به سند تحول رسید و او مجبور شد از سند خودشان که به زعم دکتر فاضلی، لفاظی ایدئولوژیک، تورم مناسک، تورم مداخلات در خودمختاری معلم و دانش آموز و در نهایت تجلی ایده آل های طلبگی است، دفاع کند. حق مطلب آن بود که دکتر صادق زاده نه از خودش و نه از سند، بلکه از اندیشه مهجور انقلاب اسلامی در دانشگاه دفاع کند یا حداقل دکتر فاضلی را در همان موضع طلبکارانه شان که به «مرگ مدرسه» و امثالهم ختم می شود، نقد کند. من در موضع دفاع از حوزه نیستم بلکه مساله را اندیشه مهجور انقلاب اسلامی می دانم که حداقل در برخی موارد همچون نهضت سوادآموزی که تا پیش از آن و در دوران قبل از انقلاب، سازمان های بین المللی و هزینه های گزاف دولت پهلوی موفق به پر کردن نیمه لیوان سواد در ایران نشده بودند، با موفقیت خود کارکردش را نشان داد و بی سواد را با وجود افزایش بی سابقه جمعیت و حاکم بودن شرایط جنگ و تحریم اقتصادی - به زیر ۱۰ درصد کاهش. به قطع می توان گفت اگر نبود بروکراسی توسعه محور آموزش و پرورش و ادغام نهضت سوادآموزی در آموزش و پرورش های استانی، تاکنون سال ها بود که بی سواد در این کشور با همان یک پیام امام^(۳) و همراهی امت اسلامی ریشه کن شده بود. بله، موضوع این است که چرا روشنفکران که خودشان در این

سیدعباس موسوی، سخنگوی وزارت امور خارجه در گفت و گوی اختصاصی با «فرهختگان»:

آژانس باید درباره بازرسی مشکوک به ایران توضیح دهد

در همین راستا برای کسب جزئیات بیشتر و اطلاع از واکنش دستگاه دیپلماسی کشورمان سراغ سیدعباس موسوی، سخنگوی رئیس مرکز دیپلماسی عمومی و رسانه ای وزارت امور خارجه رفتم. سیدعباس موسوی با تأکید بر اینکه بازداشتی در کار نبوده، به «فرهختگان» گفت: «براساس تجربه ای که از قبل داریم و خرابکاری هایی که پیش از این اتفاق افتاده است، نیروهای امنیتی ما به کسانی که به اسم بازرسی وارد کشور می شوند، حساس هستند. با این حال ده ها بازرسی آژانس انرژی اتمی هستند که از مدت ها قبل، جمهوری اسلامی ایران به آنها اجازه داده و می توانند برای بازرسی به ایران بیایند.» سخنگوی وزارت امور خارجه تصریح کرد: «در مورد اخیر، خانمی از بازرسان مشکوک به حمل مواد خاصی بود که می توانست خطرات بزرگی را متوجه تاسیسات هسته ای ما کند. البته ایشان نه بازداشت و نه دیپورت شده است.» موسوی در ادامه تأکید کرد: «در حال حاضر سوال ما از آژانس این است که به ما توضیح دهند چرا این فرد چنین مواد خطرناکی را حمل می کرده که می توانست منجر به بروز خرابکاری شود.» وی افزود: «ما معمولاً کسانی را که آژانس انرژی اتمی به عنوان بازرسی معرفی می کند با حسن نیت می پذیریم مگر اینکه اقدام خلافی مانند اقدام اخیر انجام دهند.»

رئیس مرکز دیپلماسی عمومی و رسانه ای وزارت امور خارجه در ادامه گفت و گو با «فرهختگان» خاطرنشان کرد: «بازرسان آژانس مصونیت دارند مگر اینکه موارد مشکوک و خلافی از آنها مشاهده کنیم. در آن حالت از آژانس می خواهیم که آن فرد را تغییر دهد. در مورد اخیر هم همین کار را انجام دادیم. ضمن اینکه منتظر توضیح آژانس هم در خصوص اقدام مشکوک این بازرسی و حمل مواد خطر آفرین برای تاسیسات هسته ای خود هستیم.»

موسوی با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران در برخورد با این بازرسی و ممانعت از ورود وی به تاسیسات هسته ای بر مبنای حقوق خود رفتار کرده، اظهار داشت: «ما براساس قوانین و مقررات از ورود این بازرسی به تاسیسات هسته ای نظیر جلوگیری کردیم. همان گونه که بازرسان آژانس، حقوقی داشته و براساس آن حقوق مصونیت دارند، ما نیز حقوقی داریم و آنها موظف به رعایت آن حقوق هستند. از این رو در اتفاق پیش آمده اخیر، ما طلبکار هستیم.» وی تصریح کرد: «در خصوص ممانعت از حضور این بازرسی آژانس در تاسیسات هسته ای کشورمان، نه تنها اعتراضی به جمهوری اسلامی ایران وارد نیست، بلکه ما نسبت به اقدام و حمل مواد مشکوک توسط این بازرسی، به آژانس اعتراض داریم و اعتراض به آژانس و آن فرد وارد است. ضمن اینکه ما با کمال احترام با ایشان رفتار کرده و مراتب امر را به آژانس بین المللی انرژی اتمی منعکس کردیم. حتی خود آژانس از ایشان خواست که سریع برگردد و ما از ایشان نخواستیم ایران را ترک کند.» سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان در نهایت به «فرهختگان» گفت: «امیدوار هستیم که آژانس توضیح قانع کننده ای در مورد این بازرسی خانم به ما بدهد.»

همزمان با آغاز چهارمین گام کاهش تعهدات برجامی جمهوری اسلامی ایران، موج جدید سناپروسازی علیه پرونده هسته ای نظنر را با آب و تاب فراوان خبری کرد. این در حالی است که مطابق گفته کاظم غریب آبادی، سفیر و نماینده دائم ایران در آژانس بین المللی انرژی اتمی، ماجرایه برنامه بازدید گروهی از بازرسان آژانس از سایت هسته ای نظنر در روز ۲۸ اکتبر، یعنی دوشنبه ۶ آبان ماه باز می گشت. اگرچه جوسازی های غربی علیه آن روز چهارشنبه ۱۵ آبان آغاز شد. یعنی دقیقاً روزی که مطابق اعلام رئیس جمهور به سازمان انرژی اتمی دستور داده شده بود گام چهارم کاهش تعهدات برجامی را بردارد. بر این اساس اعضای شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی، نیز روز پنجشنبه (۱۶ آبان) در نشست اضطراری دور هم جمع شدند. در این میان نماینده آمریکا در آژانس بین المللی انرژی اتمی، بی آنکه اشاره ای به اقدام مشکوک ضد امنیتی بازرسان آژانس داشته باشد، مدعی بازداشت وی توسط ایران شد و این اقدام را تحریک آمیز و گستاخانه خواند! جکی ولکات، همچنین در واکنشی پیش دستانه خواهان تبعات متقابل این اقدام برای تهران شد. ما ریا کوچیانچیچ، سخنگوی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز با صدور بیانه ای نسبت به عدم پذیرش یک بازرسی مشکوک آژانس بین المللی انرژی اتمی در ایران واکنش نشان داد و تکرانی شدید اتحادیه اروپا را برآز کرد!



حائیه موحدین روزنامه نگار